بسم الله الرحمن الرحیم

متن بیانات تفسیر یک آیه از جزء پنجم قرآن کریم توسط حجة الاسلام راجی؛ حرم مطهر رضوی، مورخ 26/12/1402

در محضر قرآن هستیم جزء پنجم، به آیه 31 ام سوره مبارکه نساء گوش فرا می دهیم.

﴿إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا﴾

خداوند می فرمایند اگر از گناهان کبیره روی گردان بشوید ما گناهان دیگر شما را خواهیم بخشید و جایگاه بالایی برای شما قرار خواهیم داد. بسیاری از مفسِّرین بزرگوار و علمای عظیم الشّأن گناهان را تقسیم می کنند بر گناهان کبیره و گناهان صغیره. در تعریف این دو [اصطلاح] نظرات مختلفی هست اما معروف این هست گناهانی که در قرآن یا در روایات به آن وعده عذاب داده شده است، به آنها گناه کبیره گفته می شود.

اما گناهان صغیره با یک سری از اقدامات آنها هم جزء گناهان کبیره به حساب خواهند آمد، یا خود گناهان کبیره با یک سری از

کارهایی که یک انسان انجام بدهد گناه و عقوبتش بسیار بالا تر خواهد بود، من چند مورد را عرض می کنم که گناهان را بسیار تشدید می کند:

اولین مورد، کوچک شمردن گناه است. امیر المؤمنین علیه السلام می فرمایند «اشد الذنوب ما استهان به صاحبه» بزرگترین گناهان آن گناهی هست که انسان آن را کوچک بداند، گناه انجام داده است وقتی به او می گویی این گناه را انجام نده، می گوید اینکه چیزی نیست!

پیامبر مکرّم اسلام در یک بیابانی به یارانشان فرمودند: مقداری هیزم جمع کنید، اصحاب عرضه داشتند که اینجا هیزم و شاخ و برگی نیست، اما چون پیامبر فرموده بود گفتند برویم بگردیم و هر کسی یک ذره کمی پیدا کرد و شاخ و برگی آورد و اینها را روی هم گذاشتند و به اندازه کوهی شد و زیاد شد، پیامبر فرمودند که گناهان اینطوری هست، دانه دانه اش به چشم نمی آید اما وقتی جمع شد یک کوه گناه خواهد شد، مؤمن گناه را کوچک نمی شمارد.

آقا شیخ عباس قمی صاحب مفاتیح در بستر بیماری‌ای که قرار گرفته بودند و در آستانه مرگ بودند، یکی از علماء به دیدار

ایشان می آید و می‌بیندکه آقا شیخ عباس خیلی ناراحت است، می گوید: «شما که ناراحتی‌ای ندارید با این همه تألیفات و اقداماتی که انجام داده اید چرا ناراحت هستید؟! ایشان می فرماید من یک بار به حج رفته بودم و رفتم در حج از یکی از علمای اهل سنت اجازه نقل حدیث بگیرم، یک سوالی کرد و من تقیّه کردم و می ترسم آن حرفم دروغ بوده باشد، اگر خداوند روز قیامت با این دروغ بخواهد با من برخورد کند من چه کار کنم؟! »

ببینید مؤمن چقدر دقت می کند! اما برخی دیگر کیلو کیلو گناه انجام می دهند و به او می گوییم آقا، خانم این گناه هست و انجام نده، می گوید یعنی خدا می خواهد من را به خاطر بی نمازی به جهنم ببرد، یعنی من یک روزه نمی خواهم بگیرم خدا می خواهد من را به جهنم ببرد؟! یعنی من یک حجاب ندارم خدا من را به خاطر آن می خواهد به جهنم ببرد؟! حالا من یک مال کوچکی خورده ام، اختلاس می کنند میلیارد میلیارد یعنی خدا می خواهد من را به جهنم ببرد؟! در گناه میزان گناه اهمیت ندارد، اینکه انسان دارد در مقابل یک خالق‌ای انجام می دهد و آن را کوچک می بیند این خیلی بد است. کوچک شمردن گناه این عقوبت دارد.

شما با ماشین پشت چراغ خطر ایستاده اید و یک ماشینی می آید با سرعت ده، پانزده کیلومتر به شما می زند، ماشین تا دو، سه متر جلو می رود، می آیید پایین و آن بنده خدا هم پایین می آید و می گوید من عذر می خواهم و نفهمیدم و ببخشید حواسم پرت بود، شما می گویید برو و چیزی نیست. یک ماشین دیگری می آید با سرعت آرام به پشت ماشین شما می خورد، شما می روید پایین، سرش را ازپنجره بیرون می دهد و می گوید آقا چیزی نشد، بیخود ایستاده ای و برو! می گویی آقا تقصیر داری اما دیگر طلب کار نباش!

گناهان اینطور هستند، یک شخصی گناه می کند اما گردن اش کج است و به خدا می گوید، خدایا من را ببخش و اشتباه کردم، یکی گناه می کند اینکه چیزی نبود، خدا هم می گوید من با همین چیزی نبود با تو برخورد می کنم.

دومین عاملی که باعث می شود گناه درجه اش بسیار بالا قرار بگیرد، گناه خواص است. یک شخص معروفی هست، یک شخص مسئولی هست، گناه او با گناه بقیه یکی نیست! اینکه یک مسئول وارد بازی های تجمّلاتی بشود، این با تجمّل سایر مردم یکی نیست، وضعیت اقتصادی مردم امروز قطعا

بهتر از اول انقلاب است اما مشکل اینجا هست که مردم اول انقلاب که نگاه می کردند می دیدند اگر خودشان ندارند، مسئول شان هم مثل خودشان زندگی می کند، رجائی هم ساده زندگی می کند، اگر خودشان مستأجر هستند رئیس جمهورشان هم مستأجر است، وزیرشان هم مستأجر است، اما دهه 90 متفاوت شده بود مردم از اینطرف پول نداشتند اما می دیدند برخی از مسئولین‌شان در قصر زندگی می کنند و افتخار شده بود مانور تجمّل!

گناه آن مسئول با سایر مردم یکی نیست، وقتی که مسئول خصوصا در حکومت اسلامی یک خلافی مرتکب می شود آبروی اسلام را می برد، پا روی خون شهدا می گذارد، مسئولین باید مراقبت کنند گناهشان چند برابر هست. چند سال پیش بود هفدهم آذر سال 93 مسئولین نظام یک همایشی داشتند « مقابله با فساد » یک نامه ای به آقا نوشتند که شما برای شروع به کار این اجلاس یک پیامی بدهید، حضرت آقا فرمودند: «این سمینار ها و امثال آن بناست چه معجزه ای کند؟! چه با سمینار و چه بدون آن برخورد قاطع انجام شود.»

امروز علمدار ساده زیستی، شاگرد مکتب امیر المؤمنین مقام معظم رهبری است،

امـروز الگـو ایشـان هسـتند، مسـئولین بایـد ایشان را الگو قرار بدهند یا سایر معروف هـا انسان هایی کـه معـروف هسـتند. روحـانیون، خطای روحانیون با سایر مردم یکی نیست. یا بازیگران سینما و فوتبالیست ها و خواننده ها و امثـال اینهـا، اینهـا بـرای یـک بخشـی الگـو هستند، اینها نمی توانند فسـاد انجـام بدهنـد، فسـاد آنهـا عـذاب مضـاعفی خواهـد داشـت. اینکـه یـک شخصـی در خیابـان یـک خـانمی حجابش را رعایت نکند، با اینکه یک شخصـیتی که تمـام مشـهوریت و معـروفیت و گوشـت و پوست و خـونش بـا جمهـوری اسـلامی عجین شده است این دو با هم متفـاوت هسـت. پس بزرگواران نکتـه ای کـه خداونـد اینجـا مطـرح فرموده است این است که اگر گناهـان کبـیره را کنـار گذاشـتید مـا صـغیره هـا را بـر شـما خواهیم بخشید.

این مطلـبی کـه عـرض کـردم دو نمونـه از مباحثی بـود کـه بـاعث میشـد گنـاه بـرای یـک انسان چند برابر نوشته بشود.

ان شـاء اللـه کـه خداونـد مـا و ملت مـا را از همه گناهان خصوصا گناهان کبیره دور و مبرّا کند، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.